

The impact of US-China competition in the Middle East region on Iran's national security (2010-2022)

Alireza Shakiba¹, Morteza Nourmohammadi²

DOI: [10.48308/pijaj.2024.234075.1466](https://doi.org/10.48308/pijaj.2024.234075.1466) Received: 2023/12/09 Accepted: 2024/07/10

Original Article

Extended Abstract

Introduction: The geopolitical dynamics of the Middle East have always been influenced by the competition among global powers, particularly the United States and China. This study aims to analyze how the US-China rivalry from 2010 to 2022 has impacted Iran's national security. The region's strategic significance and its vast energy resources make it a focal point for these powers, each seeking to expand their influence. Iran, as a key player in the Middle East, finds its security and political landscape significantly affected by this rivalry. The research hypothesizes that the competition between the US and China affects Iran's national security in three main domains: military/security, political, and economic, with both positive and negative impacts.

Methods: This research adopts an explanatory method, relying on extensive library and documentary data to dissect the multi-faceted impacts of US-China competition on Iran's national security. The study involves a thorough review of historical and contemporary sources to establish a comprehensive understanding of the geopolitical strategies employed by the US and China in the Middle East and their repercussions on Iran. The analysis is structured to address the competition in the specified domains, offering a detailed examination of each domain to discern the dual effects on Iran's security framework.

Results and Discussion: The findings reveal a complex interplay of influences stemming from the US-China rivalry. In the military/security domain, the competition has gener-

1. MA in International Relations, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Alirezashakiba76@gmail.com

2. Associate Professor, International Relations, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran-Iran. (Corresponding Author). politic110@gmail.com



ally been detrimental to Iran's national security. Increased US military presence and alliances in the region pose direct threats to Iran, while China's military engagements offer limited but notable strategic support to Iran, such as joint military maneuvers and arms sales. However, China's broader military relations with other regional actors like Saudi Arabia and Israel introduce significant security dilemmas for Iran. Economically, the US's efforts to isolate Iran through sanctions have been countered to some extent by China's continued economic engagements with Iran, including the 25-year cooperation agreement. Nevertheless, China's extensive economic ties with Iran's regional rivals diminish these benefits and perpetuate the economic vulnerabilities due to continued and even reinforced US sanctions. Politically, the situation is somewhat more favorable for Iran. China's refusal to align with US policies aimed at isolating Iran, such as opposing additional sanctions in the United Nations, provides Iran with crucial diplomatic support. Additionally, China's support for the Assad regime in Syria aligns with Iran's strategic interests in the region, reinforcing Iran's influence in the Levant. However, the growing US-Arab-Israeli rapprochement, facilitated by the Abraham Accords, and the US's emphasis on human rights issues against Iran complicate Iran's geopolitical stance.

Conclusions: The US-China competition in the Middle East significantly impacts Iran's national security. Militarily and economically, the rivalry presents more threats than opportunities, primarily due to US actions aimed at containing Iran and China's balanced approach to regional partnerships. Politically, however, the competition offers Iran some leverage, as China's opposition to US-led initiatives provides Iran with critical support. Understanding these dynamics is essential for Iran to navigate its foreign policy and security strategies effectively amidst the ongoing great power rivalry. This research underscores the need for a nuanced approach in analyzing the impacts of global geopolitical competitions on regional actors like Iran, highlighting the dual nature of these influences across different domains.

Keywords: Iran, The USA, China, the Middle East, Competition.

Citation: Shakiba, Alireza & Nourmohammadi, Morteza. 2024. The impact of US-China competition in the Middle East region on Iran's national security (2010-2022), *Political and International Approaches*, Spring, Vol 16, No 1, PP 22-42.



تأثیر رقابت امریکا و چین در خاورمیانه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۰-۲۰۲۲)

علیرضا شکبیا^۱ و مرتضی نورمحمدی^۲

DOI: [10.48308/piaj.2024.234075.1466](https://doi.org/10.48308/piaj.2024.234075.1466)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۲۰

مقاله پژوهشی

چکیده مبسوط

مقدمه و اهداف: پویایی‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه همواره تحت تأثیر رقابت بین قدرت‌های جهانی به ویژه ایالات متحده و چین بوده است. هدف مقاله تحلیل این موضوع است که چگونه رقابت امریکا و چین از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ بر امنیت ملی ایران تأثیر گذاشته است. اهمیت استراتژیک منطقه آن را به کانون تمرکز قدرت‌ها تبدیل کرده و ایران به عنوان یک بازیگر کلیدی در خاورمیانه، فضای امنیتی و سیاسی خود را به طور قابل توجهی تحت تأثیر این رقابت می‌بیند. فرضیه تحقیق این است که رقابت بین امریکا و چین بر امنیت ملی ایران در سه حوزه اصلی نظامی/امنیتی، سیاسی و اقتصادی همزمان به صورت منفی و مثبت تأثیر می‌گذارد.

روش‌ها: این پژوهش با استفاده از روشی تبیینی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی انجام و تأثیرات چند وجهی رقابت امریکا و چین بر امنیت ملی ایران را تشریح می‌کند. این مطالعه شامل بررسی منابع تاریخی و معاصر برای ایجاد درک جامعی از استراتژی‌های ژئوپلیتیکی مورد استفاده امریکا و چین در خاورمیانه و پیامدهای آنها بر ایران است. ساختار تجزیه و تحلیل برای پرداختن به رقابت در حوزه‌های مشخص شده، در قالب ارائه بررسی دقیق هر یک از حوزه‌ها برای تشخیص اثرات دوگانه بر چارچوب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق تأثیر متقابل پیچیده‌ای را نشان می‌دهد که ناشی از رقابت ایالات متحده و چین است. در حوزه نظامی/امنیتی، رقابت عموماً برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مضر بوده است. افزایش حضور نظامی ایالات متحده و اتحادها در منطقه تهدیدی مستقیم برای ایران است، در حالی که تعاملات نظامی چین از ایران حمایت استراتژیک محدود اما قابل توجهی مانند مانورهای نظامی مشترک و فروش تسلیحات می‌کند. با این حال، روابط نظامی گسترده‌تر چین با دیگر بازیگران منطقه‌ای مانند عربستان سعودی و اسرائیل، معضلات

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

Alirezashakiba76@gmail.com

۲. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

politic110@gmail.com



امنیتی مهمی را برای ایران ایجاد کرده است. از نظر اقتصادی، تلاش‌های امریکا برای منزوی کردن ایران از طریق تحریم‌ها تا حدودی با تداوم تعاملات اقتصادی چین با ایران، از جمله توافقنامه همکاری ۲۵ ساله، مقابله شده است. با این وجود، روابط اقتصادی گسترده چین با رقبای منطقه‌ای ایران، مزایا را کم‌رنگ می‌کند و آسیب‌پذیری‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌های امریکا را تداوم می‌بخشد. از نظر سیاسی، وضعیت تا حدودی برای ایران مساعدتر است. امتناع چین از همسویی با سیاست‌های ایالات متحده با هدف منزوی کردن ایران، مانند مخالفت با تحریم‌های اضافی در سازمان ملل پس از برجام، حمایت دیپلماتیک مهمی را برای ایران فراهم کرد. علاوه بر این، حمایت چین از بشار اسد در سوریه با منافع استراتژیک ایران در منطقه همسو و نفوذ ایران در سوریه را تقویت کرد. با این حال، نزدیکی فزاینده امریکا، اعراب و اسرائیل، که با توافق آبراهام تسهیل شد و تاکید ایالات متحده بر مسائل حقوق بشر علیه ایران، موضع ژئوپلیتیک ایران را پیچیده می‌کند.

نتیجه‌گیری: رقابت ایالات متحده و چین در خاورمیانه به طور قابل توجهی بر امنیت ملی ایران تأثیر می‌گذارد. از نظر نظامی و اقتصادی، این رقابت بیشتر به دلیل اقدامات ایالات متحده با هدف مهار رویکرد متوازن ایران و چین به مشارکت‌های منطقه‌ای، بیشتر تهدیدات را وسعت بخشیده تا اینکه ایجاد فرصت‌هایی تازه و مهم برای ایران داشته باشد. با این حال، از نظر سیاسی، رقابت به ایران اهرم‌هایی داده، زیرا مخالفت چین با ابتکارات تحت رهبری ایالات متحده از ایران حمایت‌های هرچند محدودی می‌کند. درک این پویایی‌ها برای ایران ضروری است تا سیاست خارجی و استراتژی‌های امنیتی خود را در بچوجه رقابت قدرت‌های بزرگ به‌طور مؤثر هدایت کند. این تحقیق بر نیاز به رویکردی همه‌جانبه در تحلیل تأثیرات رقابت‌های ژئوپلیتیک جهانی بر بازیگران منطقه‌ای مانند ایران تأکید می‌کند و ماهیت دوگانه این تأثیرات را در حوزه‌های مختلف برجسته می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: ایران، امریکا، چین، خاورمیانه، رقابت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

استناددهی: شکبیا، علیرضا و نورمحمدی، مرتضی. ۱۴۰۳. تأثیر رقابت امریکا و چین در خاورمیانه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۰-۲۰۲۲)، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، بهار، سال ۱۶، شماره ۱، ۴۲-۲۲.



مقدمه

ایران به عنوان بازیگری مهم در خاورمیانه همواره تحت تأثیر رقابت قدرت‌های بزرگ قرار بوده است. از منظر تاریخی اثرپذیری ایران به دلیل ماهیت ژئوپولیتیکی‌اش چه در ابعاد سیاسی و چه نظامی قابلیت رهگیری دارد. به عنوان مثال وضعیت ایران به عنوان بازیگر بی‌طرف در جنگ جهانی دوم، موقعیت محمدرضا شاه پهلوی در میان دو قدرت بزرگ جنگ سرد و همچنین تأثیر انقلاب اسلامی بر معادلات میان قدرت‌ها در خاورمیانه همگی نشان از این اثرپذیری و اثرگذاری دارد. سرایت رقابت استراتژیک دو قدرت مطرح شده در منطقه جنوب شرقی آسیا به مناطق درگیر از جمله خاورمیانه و مطالعه ادراک امریکایی و چینی از این رقابت در عرصه منطقه‌ای پراهمیت است. عبور از فضای جنگ سرد و شکل‌گیری رقابتی نوین و چندوجهی میان دو قدرت در عرصه بین‌الملل خواه و ناخواه کشورهای گوناگون را درگیر مسئله رقابت کلان آنها در ابعاد منطقه‌ای کرده است. وضعیتی که ایران از آن مستثنی نیست.

در این میان نقطه تمرکز این پژوهش بررسی رقابت میان امریکا و چین و اثرپذیری امنیت ملی ایران به عنوان بازیگری مستقل در منطقه از این رقابت است. به همین جهت پرسش کلیدی پژوهش این است که رقابت میان این دو قدرت در عرصه خاورمیانه چه تأثیری بر امنیت ملی ایران می‌گذارد؟ فرضیه پژوهش این است که رقابت امریکا و چین در سه حوزه نظامی / امنیتی، سیاسی و اقتصادی بر امنیت ملی ایران، متأثر از حوزه‌های رقابت دو کشور، تأثیری دوگانه دارد. ماهیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از یک سو و برداشت دیگر کشورها از ایران از سوی دیگر، امنیت ملی ایران را در هر سه زمینه سیاسی، نظامی و اقتصادی تحت تأثیر قرار می‌دهد. به همین جهت به نظر می‌رسد این آثار تنها در یک مدل مستقیم / غیرمستقیم یا مثبت / منفی قرار نمی‌گیرند. به این ترتیب ما برای اتخاذ یک رویکرد همه‌جانبه تصمیم داریم به هر چهار بخش اشاره و آنها را مورد توجه قرار دهیم. این پژوهش با استفاده از روش توضیحی - تبیینی و به کمک منابع اسنادی - کتابخانه‌ای در صدد است تا به سوال مطروحه پاسخ دهد.

۱. پیشینه تحقیق

رقابت چین و امریکا در آثار متعددی مورد بررسی قرار گرفته است. این ادبیات را می‌توان در دو دسته کلی قرار داد؛ دسته اول آثاری هستند که به مقوله این رقابت در ابعاد بین‌المللی و یا خارج از خاورمیانه پرداخته‌اند. به عنوان مثال کولایی و نیکنام (۱۳۹۳) در اثری با عنوان چالش راهبردی چین و ایالات متحده بر سر هژمونی جهانی به ابعاد رقابت میان دو قدرت در عرصه بین‌المللی پرداخته است. آنها با تمرکز بر عنصر قدرت اقتصادی چین، نتیجه رقابت میان دو کشور را مورد تأکید قرار می‌دهند. اثر دیگری از دلاور و دیگران (۱۴۰۰) تحت عنوان تبیین الگوی چینی بازتعریف نظم بین‌المللی: ترکیب توانمندی‌های داخلی و موازنه نرم خارجی به بررسی ابعاد هویتی رقابت بین دو قدرت پرداخته و الگوی چینی برای این رقابت را ترکیب استفاده از توانمندی داخلی و موازنه نرم خارجی معرفی می‌کند.

دسته دوم آثاری هستند که به ابعاد رقابت امریکا و چین در خاورمیانه پرداخته‌اند. مقاله‌ای از شرفخانی، حاجی‌مینه و دهشیری (۱۴۰۱) با عنوان راهبرد اقتصادی چین در رقابت هژمونیک با امریکا در خاورمیانه به بررسی

رویکرد اقتصادی چین برای رقابت با آمریکا در خاورمیانه اشاره می‌کند. آنها نفوذ هدفمند در منطقه را استراتژی چین برای کاهش ریسک امنیت انرژی و همچنین توجه به امنیت فناوری معرفی می‌کنند. مقاله دیگری از سلیمی و رحمتی‌پور تحت عنوان (۱۳۹۳) بررسی مقایسه‌ای استراتژی انرژی چین و ایالات متحده آمریکا و تأثیر آن بر جایگاه خلیج فارس به اهمیت استراتژی انرژی در این رقابت پرداخته است. آنها در این مقاله با تأکید بر اهمیت کاهش وابستگی به انرژی خاورمیانه استراتژی مواجه هر دو کشور را در این منطقه و به خصوص خلیج فارس مورد توجه قرار داده‌اند. مقاله دیگری از جاناتان فولتن^۱ (۲۰۲۱) با عنوان ظهور چین به عنوان یک قدرت خاورمیانه‌ای^۲ که او در این مقاله خود به تأثیر گذاری فشارهای آمریکا بر سیاست‌های کشورهای منطقه اشاره کرده و نزدیکی چین و ایران را موجب تغییر توازن قوا در منطقه ارزیابی نمی‌کند. وی معتقد است نزدیکی ایران و چین تنها از این منظر قابل ارزیابی است که هدف چین ایجاد ثبات در خاورمیانه می‌باشد. حفظ وضع موجود برای چین در خاورمیانه و به خصوص خلیج فارس از اولویت بسیار بالایی برخوردار است.

به طور کلی آثار پژوهشی مطرح شده نشان دهنده خلا در بررسی وضعیت ایران به عنوان یک بازیگر مهم در خاورمیانه در ابعاد این رقابت است. ایران در هیچ‌یک از آثار مطرح شده به عنوان یک هسته مرکزی پژوهشی مورد بررسی قرار نگرفته و به همین جهت اثر حاضر می‌تواند ابتدا این خلا را پوشش داده و دوم زمینه انجام پژوهش‌های بعدی در مسیر تبیین وضعیت امنیت ملی ایران در این رقابت را به صورت متمرکز فراهم آورد.

۲. چارچوب مفهومی

برای اصطلاح رقابت که به طور معمول در روابط بین‌الملل استفاده می‌شود، تعریف روشن و مورد اجماعی وجود ندارد. در واقع، با وجود اهمیت این مفهوم برای پارادایم‌های اصلی روابط بین‌الملل تعاریف کمی از رقابت ارائه می‌شود. یکی از تعاریف موجود، این مفهوم را رفتار هدف‌جویی توصیف می‌کند که تلاش می‌کند دستاوردهای در دسترس دیگران را کاهش دهد. در زمینه روابط بین‌الملل، رقابت را می‌توان به عنوان حالتی از روابط متخاصم بین بازیگران درک کرد که منعکس‌کننده سه عامل متمایزکننده اساسی است: منازعه ادراک شده، تلاش برای کسب مزیت متقابل و تعقیب برخی از نتایج (Mazarr & et al., 2018:4). این امر مستلزم تلاش همزمان برای دستیابی به منابع کمیاب مانند قدرت، نفوذ، رفاه و موقعیت در همان زمانی است که دیگران نیز به دنبال آن چیزها هستند.

در مجموع، اندیشیدن به رقابت از دیدگاه تئوری و عمل روابط بین‌الملل، تعریف گسترده‌تر زیر را پیشنهاد می‌کند. رقابت در عرصه بین‌المللی شامل تلاش برای کسب مزیت، اغلب نسبت به دیگرانی است که تصور می‌شود یک چالش یا تهدید هستند، از طریق تعقیب کالاهای مورد مناقشه مانند قدرت، امنیت، ثروت، نفوذ و موقعیت. این تعریف فرض می‌کند که دولت‌ها (یا گروه‌هایی از دولت‌ها) برای اهداف محدودی مانند امنیت اساسی ملت‌های خود با هم رقابت می‌کنند، اما اغلب برای اهداف گسترده‌تر نیز رقابت می‌کنند: مدیریت دستور کار جهانی، تقویت جایگاه نسبت به دیگران، و توانایی تأثیرگذاری بر برآیندها، به ویژه در موضوعات یا مناطقی که برای منافع آنها اهمیت دارد (Mazarr & et al., 2018:5). این تعریف به نظریه واقع‌گرایی نزدیک است، این

1. Jonathan D. Fulton

2. China's emergence as a Middle East power

ایده که نظام بین‌الملل محلی برای رقابت است که در آن دولت‌ها در تعقیب اهداف کمیاب مانند قدرت به دنبال برتری بر یکدیگر هستند. رویکردهای رئالیستی معمولاً تمایز شدیدی بین عرصه‌های سیاسی - نظامی رقابت و سایر عرصه‌ها و بین اشکال مادی قدرت و اهداف غیرمادی مانند موقعیت و اعتبار قائل می‌شوند.

با وجود آنکه دولت‌ها ذیل یک ساختار سلسله‌مراتبی قرار ندارند، الگوی تعامل در این نظام الگوی بی‌نظمی یا درگیری و رویارویی آن‌ها به طور ثابت نیست. اصل اساسی که اقدامات دولت‌ها را در این شرایط جهت‌دهی می‌کند اصل خودیاری است. اصل خودیاری که به واسطه وجود آناژشی در نظام بین‌الملل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گشته است، به این معناست که دولت‌ها در ساحت نظام بین‌الملل هیچ همراهی برای تأمین نیازهای خود نخواهند داشت (مرشایمر، ۱۳۸۹: ۳۷). به همین جهت نیروهای تدافعی آنها را به کسب قدرت توسط خودشان هدایت می‌کند. در چنین فضایی، قدرت تنها ابزاری است که می‌تواند برای کشورها در مقابل تهدیداتی که عمدتاً حیاتی هستند بازدارندگی ایجاد کند. در این شرایط اولیه‌ترین نیاز هر دولتی، تأمین امنیت و بقا برای خود است (مرشایمر، ۱۳۸۹: ۵۲).

حال با توجه به این مقوله که دولت‌ها ذیل یک نظام آناژشیک (فاقد سلسله‌مراتب) و مبتنی بر اصل خودیاری به فعالیت می‌پردازند و کسب حداکثر قدرت تنها راه رهایی از هزارتوی دستیابی به امنیت است. هرچند دولت‌ها نمی‌توانند در تمام عرصه نظام بین‌الملل حاضر بوده و به جایگاه هژمون در آن ابعاد دست یابند، اما دستیابی به جایگاه هژمون منطقه‌ای هدفی مطلوب و قابل تصور برای آنها است. این جایگاه آنها را از دغدغه امنیت در نزدیکی مرزهای جغرافیایی خود آزاد کرده و به آنها حداقلی از احساس امنیت را خواهد داد. ضمن دستیابی به جایگاه هژمون در منطقه خود، هدف دیگری که برای قدرت‌های بزرگی که به سمت هژمون منطقه‌ای شدن حرکت می‌کنند حائز اهمیت است جلوگیری از دستیابی دیگر رقبای به چنین جایگاهی در نظام بین‌الملل است، زیرا هر قدرت بزرگی که به جایگاه هژمون در منطقه خود دست پیدا می‌کند این آمادگی را دارد تا به سمت دستیابی به هدف اولیه یعنی تسلط بر تمام نظام بین‌الملل حرکت کند. به همین سبب رقابت و منازعه بین قدرت‌ها از همین نقطه شکل گرفته و آنها تمام تلاش خود را برای جلوگیری از تحقق یک چنین وضعیتی برای رقبای به کار خواهند بست (مرشایمر، ۱۳۸۹: ۴۸).

چنین وضعیتی، منجر به رقابت قدرت‌های بزرگ در سطوح و مناطق مختلف خواهد شد. رقابت قدرت‌های بزرگ در مناطقی که اهمیت و وزن آنها در تاثیرگذاری بر معادلات بین‌المللی کلیدی و محوری است، نمود بیشتری پیدا می‌کند و بخش عمده‌ای از پویایی‌های امنیتی و الگوهای حاکم بر روابط دولت‌های منطقه نیز در قالب الگوی حاکم بر روابط قدرت‌های بزرگ در این مناطق، شکل می‌گیرد. خاورمیانه نیز به دلیل اهمیتی که به لحاظ ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر در معادلات حاکم بر قدرت‌های بزرگ داشته است، همواره در طول تاریخ صحنه رقابت قدرت‌های بزرگ بوده است و در سالهای اخیر این رقابت عمدتاً در چارچوب روابط چین و امریکا در منطقه بازتعریف شده است؛ رقابتی که موضوعات منطقه‌ای، روابط میان دولت‌های منطقه و امنیت ملی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۳. تاثیر رقابت امریکا و چین در خاورمیانه بر امنیت ملی ایران

به واسطه ماهیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و همچنین اصول مطروحه قانون اساسی، قدرت‌های بزرگ، ایران را کشوری تجدیدنظرطلب می‌دانند (Wolf, 2018: 28). موقعیتی که ایران را در نزاع با قدرت‌های بزرگ نگاه داشته و عبور از آن را بسیار دشوار می‌کند (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۲۳). برداشت تجدیدنظرطلب از ایران تنها در میان قدرت‌های بزرگ مورد وفاق نیست و همسایگان ایران نیز برداشتی مشابه دارند. کشورهای همسایه به واسطه برداشتی که از ایران دارند، افزایش قدرت ایران در تمامی زمینه‌ها را موجب به خطر افتادن امنیت و ثبات خودشان می‌دانند (El Berni, 2018: 117).

از طرف دیگر، با کاهش قدرت امریکا و خروج تدریجی این کشور از خاورمیانه، برقراری روابط با دولت‌های محوری منطقه در اولویت سیاست خارجی چین قرار گرفت. سیاست درهای باز چین موجب گردید پیگیری ارتباط با کشورهای در حال توسعه برای سیاست خارجی چین از اولویت بالایی برخوردار باشد، مسئله‌ای که به صورت ناخودآگاه بر نگرانی این کشورها از نیات چین می‌افزود (Zhao, 2016: 59). روش رهبران چین در مواجهه با این دغدغه‌ها، بازتعریف الگوی قدرت‌یابی این کشور و ارائه مدل جدیدی از درگیر شدن در امور مناطق از طریق همکاری‌های چندجانبه و نهادهای بین‌المللی بود (Sutter, 2020: 9). حضور پررنگ چین در خاورمیانه موجب شد تا رقابت امریکا و چین در سطح جهانی، در سطح معادلات منطقه نیز نمود یابد. بالطبع رقابت دو کشور، پیامدها و نتایج متفاوتی برای دولت‌های منطقه خواهد داشت و در این پژوهش تلاش می‌شود پیامدهای رقابت چین و امریکا در خاورمیانه بر امنیت ملی ایران در سه بعد امنیتی - نظامی، سیاسی و اقتصادی تحلیل شود.

۳-۱. تاثیر رقابت چین و امریکا در بعد امنیتی - نظامی امنیت ملی ایران

با گسترش سطح رقابت میان دو قدرت، ضرورت حضور و تأثیرگذاری بیشتر چین در خاورمیانه افزایش پیدا می‌کند، زیرا حفاظت از منافع حیاتی پکن در منطقه از اهمیت بالایی برخوردار است. این افزایش حضور از آن جهت که به همکاری نزدیک‌تر ایران و چین در منطقه منجر می‌شود بر امنیت ملی تهران نیز اثرگذار است. برای فهم این رابطه نیاز است به جایگاه ایران در منطقه به‌عنوان یک بازیگر امنیتی توجه کنیم و این مسئله بدون در نظر گرفتن ساختار امنیتی خاورمیانه مقدور نیست. ساده‌ترین و درعین حال دقیق‌ترین ابزار تحلیلی برای فهم سازوکارهای امنیتی خاورمیانه، تکیه بر مفهوم معمای امنیت است. معمای امنیت در خاورمیانه به واقعیات سیاست خارجی کشورهای منطقه سامان می‌دهد. این معما بر نحوه تعامل قدرت‌ها با یکدیگر نیز تأثیر مستقیمی دارد. برای مثال دو بازیگر امنیتی مهم منطقه، یعنی ایران و عربستان استراتژی‌های امنیتی خود را مبتنی بر ترس از اهداف و نیات طرف مقابل طرح‌ریزی می‌کنند (Ali, 2017: 29).

تردید و نگرانی دائمی کشورهای منطقه از دیگر بازیگران موجب افزایش نیازمندی آنها به عناصر امنیت بخش در بستر منطقه‌ای می‌شود. نزدیکی به قدرت‌های بزرگ یکی از راهکارهایی است که هم از لحاظ تاریخی و هم از لحاظ نظری برای پاسخ به دغدغه امنیتی آنها قابل درک است. به همین جهت حضور قدرت‌های بزرگ در اذهان دولت‌های منطقه همواره یک نوع تضمین امنیتی به حساب می‌آید. در این میان جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر همان اصل تنهایی استراتژیک در عرصه سیاست خارجی از نزدیکی به ایالات متحده اجتناب کرده و گزینه دیگری

نیز برای نزدیک‌تر شدن برای ایران وجود نداشت. با این حال با ورود به دهه ۲۰۱۰ و افزایش علاقه مندی چین به تأثیرگذاری در ترتیبات منطقه‌ای و جهانی، به خصوص خاورمیانه، این فرصت را برای ایران فراهم کرد تا بتواند به بازیگری نزدیک شود که حلقه مفقوده امنیت را برای آن بیابد.

توجه به این مسئله ضروری است که نزدیکی ایران به چین به معنای منحصر به فرد بودن این رابطه نیست، کما اینکه پکن علاقمند به ایجاد روابط نزدیک و راهبردی با تمامی کشورهای منطقه است. با این همه، امکان تحقق چنین فرصتی برای جمهوری اسلامی خاص و منحصر به فرد به حساب می‌آید. هرچند افزایش روابط راهبردی میان تهران و پکن به سود ایران است، اما نباید فراموش کنیم میل ذاتی چین به برقراری روابطی نزدیک با تمامی کشور موجب به وجود آمدن یک تناقض در افزایش ثبات امنیت ملی ایران می‌شود که در بخش تأثیرات غیرمستقیم به آن خواهیم پرداخت.

تعمیق روابط میان ایران و چین از آن جهت با رقابت ایالات متحده و چین ارتباط پیدا می‌کند که اساساً علاقه‌مندی دولت چین به افزایش روابط راهبردی با کشورهای خارجی از زمانی آغاز شد که آنها متوجه نیاز اساسی خود برای تأمین نیاز حیاتی‌شان یعنی حفظ و افزایش رشد اقتصادی پی برده و آن را ضامن نگه‌داشتشان در عرصه رقابت با آمریکا دانستند. نیازمندی چین به خاورمیانه از آن جهت ارتباط نزدیکی به رقابت میان آنها و ایالات متحده داشته که راهکار چین برای ادامه رقابت با آمریکا حفظ رشد اقتصادی و در نتیجه نیازمندی به تأمین مواد اولیه و به خصوص انرژی از این منطقه است (Hong, 2014: 424). این نیاز اساسی در سایه تقویت روابط با دیگر کشورها و تأثیرگذاری بر روندهای منطقه‌ای تأمین می‌شود (Cordesman, 2020: 4) و به همین جهت آنها رو به عقد قراردادهای همکاری دوجانبه و اجرای ابتکار کمربند و راه آوردند. نیاز بیشتر چین به خاورمیانه و به طبع آن همکاری گسترده‌تر میان چین و ایران در زمینه‌های نظامی مانند برگزاری رزمایش مشترک در اقیانوس هند (Sutter, 2020: 280) بر افزایش ثبات امنیت ملی ایران در خاورمیانه کمک می‌کند.

در کنار تأثیرات مثبتی که مطرح گردید، این مسئله به طور هم‌زمان تهدیدات امنیتی را نیز برای ایران به همراه دارد. به‌طورکلی افزایش سطح همکاری‌ها بین ایران و چین برای طرف دیگر (آمریکا) که از قضا خود نیز در ترتیبات امنیتی منطقه بسیار درگیر است حائز پیام خطرناکی است که مقابله با آن را ضروری می‌کند. همکاری نزدیک ایران و چین و برداشتی که از آن برای ایالات متحده به وجود می‌آورد در واقع یک نوع تهدید امنیتی است. پرداختن به این مسئله ضروری است که جایگاه خاص ایران و تفاوت این جایگاه با وضعیت دیگر کشورهای منطقه موجب به‌وجود آمدن این وضعیت می‌شود. از آنجا که دیگر کشورهای منطقه در تعامل مستقیم و نزدیک با واشنگتن هستند، نزدیکی آنها به چین و ایجاد روابطی نزدیک بین آنها برای ایالات متحده به معنای وجود نوعی تهدید امنیتی نیست. زیرا این فرصت برای آمریکا وجود دارد تا با اطلاع از مسائل، از آن دسته موضوعاتی که موجب به خطر افتادن منافع ایالات متحده در منطقه می‌شود جلوگیری به عمل آورد. شرایطی که در خصوص ایران برای ایالات متحده وجود ندارد.

ادراک آمریکا از نظام دو کشور چین و ایران نظام‌های ضد غربی است (Phillips, 2020: 4). این برداشت فارغ از درست و یا غلط بودن آن بر الگوهای رفتاری نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری واشنگتن اثرگذار است. به همین جهت نزدیکی ایران و چین از منظر آمریکا تهدیدآمیز بوده و در نتیجه احتمال مواجهه نظامی و امنیتی ایالات

متحد با ایران را بالاتر برده است. نمونه‌های این مسئله در طول دولت ترامپ به اوج خود می‌رسد. اشتراک نظر ایران و چین در خصوص سوریه موردی می‌باشد که دیدگاه ایالات متحده نسبت به همکاری‌های ایران و چین را تغییر داد. از یک سو حمایت‌های چین از دولت سوریه در سازمان ملل و حضور نظامی ایران در این کشور برای امریکا این برداشت را ایجاد می‌کند که دو کشور دارای اشتراکات منافع جدی هستند. به همین سبب حملات واشنگتن به نیروهای ایرانی و نیروهای نیابتی ایران شدت یافت.

همکاری‌های نزدیک چین با کشورهایی که تهدید امنیتی جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آیند مثل عربستان سعودی، امارات و اسرائیل در کنار کشورهایی که به‌عنوان رقبای ایران هستند مثل ترکیه، قطر و عراق شرایطی را برای ایران به وجود می‌آورد که با تهدیدات امنیتی بیشتری مواجه می‌شود. در ادامه این بخش به توضیح ابعاد مختلف این تأثیرگذاری بر امنیت ملی ایران در روابط این کشورها با چین خواهیم پرداخت. از منظر تاریخی بازدارندگی ابزاری برای دفع تهدید از سوی ایران بوده است. فرهاد قاسمی با اشاره به دوره‌های متمادی تاریخی استفاده از این ابزار به پنج واقعیت می‌رسد. مواجهه همیشگی ایران با قدرت‌های خارجی تهدیدکننده تمامیت ارضی کشور، مواجهه با قدرت‌های خارجی در معادله جهانی قدرت، استفاده از بازدارندگی سیاسی در برهه‌هایی برای کاهش تهدیدها و در نهایت اعطای امتیاز برای کاهش خطر و ضعف داخلی در شکل دادن به یک سیستم بازدارنده کارآمد (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۰۶-۱۰۵). بازدارندگی نظامی پس از شکست استراتژی بازدارنده تنش‌زدایی یکی از مهم‌ترین ابزار امنیت‌ساز برای ایران بود (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۲۳). به‌دست آوردن فناوری موشک‌های دوربرد و پهبادهای پیشرفته توانسته است بازدارندگی نسبی را برای ایران به وجود آورد.

این بازدارندگی در مواجهه با رقابت بین ایالات متحده و چین به خطر افتاده است. در گذشته کشورهای منطقه به تناوب به خرید سلاح از امریکا اقدام می‌کردند. با این حال سیاست‌های چرخش به آسیا و عدم حمایت امنیتی واشنگتن از حسنی مبارک در مصر موجب ایجاد حس بی‌اعتمادی در میان کشورهای منطقه از سیاست‌های منطقه‌ای امریکا شد. کشورهای منطقه در مواجهه با این وضعیت به دنبال تأمین سلاح خود از مسیرهای دیگری رفتند که در این میان چین به واسطه داشتن رابطه اقتصادی نزدیک به این کشورها بهترین گزینه خرید سلاح برای آنها بود (Gresh & Keskin, 2019: 163). این موضوع از آن جهت به رقابت میان چین و ایالات متحده مربوط می‌شود که چین از هر فرصتی برای ایجاد اعتماد در میان کشورهای نزدیک به واشنگتن بهره برده و این مسئله در موضوعاتی که به همکاری چین و کشورهای تهدید کننده امنیت ایران در منطقه منجر شود در انتها به تهدید غیر مستقیم امنیت ملی ایران نیز منجر شده است.

امتناع امریکا از فروش پهباد به امارات متحده عربی موجب به وجود آمدن فرصتی جدی برای فروش پهبادهای چینی^۱ به آنها شد که در جنگ یمن و لیبی توسط ارتش این کشور مورد استفاده قرار گرفت (Middle East Eye, 2022). کمک چین به عربستان برای ساخت موشک‌های دوربرد (CNN, 2021) نیز یکی دیگر از مواردی است که نشان از انتقال تکنولوژی‌های حساسی دارد که می‌تواند امنیت ملی ایران را با خطر مواجه کند. فروش سلاح‌هایی که به بازدارندگی ایران در منطقه کمک می‌کرد توسط چین در سایه رقابت این کشور با ایالات متحده در تصاحب سهم بیشتری از بازار سلاح خاورمیانه یک نمونه واضح از موضوعی است که بر امنیت ملی ایران

تأثیری منفی و غیرمستقیم دارد. این درحالی است که ایالات متحده برای فروش این نوع از سلاح‌ها که مصرف نهایی خاصی دارند قوانین بسیار سختگیرانه‌ای را وضع کرده بود.

همکاری‌های چین در این حوزه تنها به کشورهای عربی محدود نمی‌شود. اسرائیل نیز یکی از شرکای نظامی چین در زمینه فروش و توسعه سلاح است (Horesh, 2016: 131). همکاری‌های نظامی چین و اسرائیل هرچند در مقایسه با حجم روابط این کشور با ایران قابل مقایسه نیست (Efron et al., 2019: 53-55)، اما شروع این ارتباطات به این علت بوده است که چین از دیرباز به دنبال افزایش روابط خود با کشورهای متحد امریکا در منطقه بود و برای تحقق این مسئله حاضر است تا با تمامی کشورهای نزدیک به امریکا وارد تعامل نزدیک شود و از فرصت‌های بدست آمده بهره‌برداری کند. این پیوند تنگاتنگ نظامی / امنیتی میان کشورهای متضاد و رقیب ایران در منطقه بر چالش‌های امنیتی ایران افزوده است. جدول زیر ابعاد تأثیرگذار نظامی / امنیتی رقابت امریکا و چین بر امنیت ملی ایران را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ابعاد تأثیرگذار نظامی / امنیتی رقابت امریکا و چین بر امنیت ملی ایران

غیرمستقیم	مستقیم	
<ul style="list-style-type: none"> افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران به واسطه کاهش حضور نظامی ایالات متحده در مرزهای شرقی و غربی ایران 	<ul style="list-style-type: none"> افزایش حضور نظامی چین در خلیج فارس و دریای عمان مانور مشترک نظامی ایران و چین 	مثبت
<ul style="list-style-type: none"> به خطر افتادن بازدارندگی نظامی ایران در پس همکاری‌های نظامی چین با کشورهای منطقه کاهش حضور امنیتی امریکا در افغانستان برای پایان دادن به سواری مجانی چین تشکیل پویش‌های امنیتی علیه ایران توسط امریکا 	<ul style="list-style-type: none"> افزایش مواجهه نظامی و امنیتی امریکا با ایران در منطقه 	منفی

۲-۳. تأثیر رقابت چین و امریکا بر بعد اقتصادی امنیت ملی ایران

هرچند ایران و چین در حال حاضر در خاورمیانه همکاری نظامی و امنیتی گسترده‌ای ندارند، با این حال ایالات متحده همکاری‌های مشترک اقتصادی را زمینه‌ای برای همکاری‌های استراتژیک نظامی و امنیتی در آینده می‌داند و برای آن مثال جیوتی را محتمل‌ترین مدل ارزیابی می‌کند (Phillips, 2020: 7). همکاری‌های اقتصادی بین ایران و چین در این دوره علی‌رغم شدت گرفتن تحریم‌های امریکا علیه ایران از طریق واردات نفت از ایران ادامه یافت مسئله‌ای که دقیقاً بر خلاف سیاست‌های فشار حداکثری دولت ترامپ بر علیه ایران بود (Scita, 2022: 100-102). در این میان شواهدی از همکاری‌های نیروی دریایی چین و ایران در اقیانوس هند نیز بر ادراک پیشین آنها صحه گذاشت. این برداشت تنها در بحث همکاری میان ایران و چین نیست و ارزیابی امریکا از این ارتباط، فعالیت ایران به نمایندگی از چین در منطقه است (Phillips, 2020: 9).

وضعیتی که پاسخ به تهدیدات ایران تنها پاسخ به ایران شناسایی نگردیده و این پاسخ را نوعی پاسخ غیرمستقیم

به چین نیز می‌داند. به همین جهت مواجهه با ایران برای ایالات متحده از یک تهدید امنیتی محدود بین ایران و آمریکا به سطح بالاتری از رقابت آمریکا و چین در منطقه و جهان راه پیدا می‌کند. مسئله دیگری که رقابت میان دو کشور را به مسئله امنیت ملی ایران گره می‌زند را می‌توان در ابعاد سیاسی پیدا کرد. در این ابعاد به واسطه یکسانی دغدغه‌های حقوق بشری واشنگتن در مقابل ایران و چین و از این جهت که آمریکا به دنبال فشار آوردن به چین در این ابعاد است و از گسترش ایده‌های حکمرانی چینی در جهان نگران است افزایش فشارهای سیاسی بر ایران به عنوان کشوری که پتانسیل بالایی را در این مسئله دارد در وضعیتی که آمریکا با ایران دارای هیچ رابطه دیپلماتیک مستقیمی نیست می‌تواند زمینه‌های فشار بر ایران در ابعاد سیاسی و به طبع آن ابعاد امنیت ملی ایران وسعت بخشد.

ارزیابی تهدید از افزایش روابط بین ایران و چین در دولت ترامپ به اوج خود می‌رسد به گونه‌ای که ادامه پیدا کردن همکاری‌های اقتصادی ایران و چین هر چند در صحنه رسمی کاهش یافت، اما عقد قرارداد همکاری استراتژیک در سال ۲۰۱۹ و پیش‌بینی سرمایه‌گذاری در ایران، برای آمریکا نمونه‌ای از خطر امنیتی برای منافع آنها در منطقه است (Khan & Guo, 2017: 30). به همین جهت است که درک نزدیکی راهبردی میان تهران و پکن موجب گردید تا واشنگتن با وضع دوباره تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در دولت ترامپ از افزایش این روابط جلوگیری کرده و مانعی را بر سر راه تعمیق روابط اقتصادی ایران و چین به وجود آورد.

این منطقی از آن سو است که ایالات متحده در صحنه رقابت خود با چین در خاورمیانه خواهان کاهش قدرت کشورهای غیرهمسو با منافع خود می‌باشد و ایران در این بخش مهم‌ترین کشور به حساب می‌آید که از همکاری اقتصادی با چین سود بسیاری به دست خواهد آورد. به همین جهت مقابله با آن توانمندی بالقوه اهمیت بسیاری پیدا کرد. این مسئله در نهایت منجر به تقویت منطقی تحریم ایران برای آمریکا بدل شد. این مسائل در کنار ادراک خطرناک دیگری قرار می‌گیرد که نقش ایران در خاورمیانه را به مثابه بازیگری مشغول کننده برای آمریکا می‌داند تا به واسطه درگیری با ایران، آمریکا از نگاه به مناطق دیگر به خصوص جنوب شرق آسیا اجتناب کند (Fulton, 2022; Garver, 2013: 73).

با گذر از ابعاد نظامی مؤثر بر امنیت ملی ایران همکاری‌های اقتصادی بین چین و کشورهای دیگر منطقه نیز می‌تواند موجب افزایش دغدغه‌های امنیتی ایران در خاورمیانه باشد. همکاری‌های اقتصادی چین با اسرائیل که به طور کامل در بخش‌های قبلی به آن اشاره شد زمینه بروز دغدغه‌های جدی برای امنیت ملی ایران است. روابط نزدیک اسرائیل و آمریکا در دهه‌های گذشته همواره چتر امنیتی این کشور را برای اسرائیل فراهم می‌کرد و با کاهش حضور واشنگتن در خاورمیانه، اسرائیل به دنبال افزایش ارتباطات خود با چین رفت به همین جهت حجم سرمایه‌گذاری اسرائیل در چین به طور قابل توجهی افزایش پیدا کرد (Efron et al., 2019: 68). همکاری‌های نزدیک سیاسی و فرهنگی در کنار حجم وسیع سرمایه‌گذاری چین در شهرهای بندری اسرائیل نشان دهنده این موارد است.

این روابط به اندازه‌ای به رقابت میان آمریکا و چین در منطقه وابسته است که ایالات متحده با فشار به اسرائیل در موضوعات خاصی از جمله همکاری‌های نظامی در بخش‌های با تکنولوژی بالا منصرف کرد (Horesh, 2016: 131). روابط نزدیک چین و اسرائیل در شرایطی که ایران و اسرائیل همدیگر را به عنوان اصلی‌ترین تهدید

امنیتی معرفی می‌کنند و حفظ و بسط روابط اقتصادی برای چین از اهمیت بالایی برخوردار است در طولانی مدت موجب بروز تناقض‌های امنیتی میان ایران و چین می‌شود. مسئله‌ای که می‌تواند منجر به تغییر رویکرد چین نسبت به ایران و افزایش چالش‌های امنیتی ایران از طریق کمرنگ شدن زمینه‌های همکاری استراتژیک دو کشور در خاورمیانه و نمایشی شدن این همکاری‌ها گردد.

تأثیرگذاری غیرمستقیم دیگر رقابت امریکا و چین در خاورمیانه بر امنیت ملی ایران را می‌توان در ایجاد پویش‌های امنیتی منطقه‌ای جست‌وجو کرد. در شرایطی که امریکا به جهت رقابت با چین نیازمند توجه بیشتر به جنوب و جنوب شرق آسیا می‌شود، برقراری فضایی با تنش کمتر میان کشورهای عربی و اسرائیل اولویت پیدا کرد. این شرایط هنگامی ممکن می‌شد که واشنگتن بتواند از دغدغه تاریخی درگیری میان اعراب و اسرائیل رها شود و این امر از طریق حمایت صلح ابراهیم میان اسرائیل، امارات و بحرین پیگیری شد. مدل دیگری که ایالات متحده به دنبال ارائه به کشورهای عربی منطقه بود، ایجاد یک همکاری نظامی در بین این کشورها بود. هر دو مورد مطروحه برخاسته از یک دلیل یعنی کاهش حضور امنیتی در خاورمیانه و تلاش برای تحت‌فشار قراردادن ایران از طریق ایجاد همکاری نظامی و امنیتی بین دیگر کشورهای منطقه بود. کاهش حضور امریکا در منطقه نه تنها در دولت بایدن که در دولت ترامپ هم مورد تأکید مقامات نظامی ایالات متحده قرار می‌گرفت. به‌عنوان مثال ژنرال مکنزی در سخنرانی خود برای مؤسسه ایسپن^۱ از تهدیدات جدیدی سخن می‌گوید که امریکا را مجبور می‌سازد به مناطقی توجه کند که در گذشته کمتر آنها رو مورد توجه قرار داده است (McKenzie, 2020).

این نیت واشنگتن از آن سو با رقابت میان چین و امریکا در خاورمیانه ارتباط پیدا می‌کند که یکی از نگرانی‌های این کشور، نتایج کم‌رنگ شدن حضور نظامی و امنیتی آنها در منطقه بود. اتفاقی که می‌تواند به افزایش نفوذ ایران در منطقه و یا پر کردن خلا نبود قدرت بزرگتر در منطقه توسط چین منجر شود. وزیر دفاع ایالات متحده لوید آستین در نشست سالانه مؤسسه آی.آی.اس.اس^۲ در بحرین در سال ۲۰۲۱ به اهمیت همکاری‌های مشترک نظامی و امنیتی ایالات متحده و کشورهای منطقه اشاره می‌کند. وی با تشریح نیازهای مشترک همه کشورهای منطقه و ناتوانی ایالات متحده از پاسخ به این نیازها به تنهایی، مشارکت همه کشورها را در ترتیبات نظامی و امنیتی منطقه برای پاسخگویی به تهدیدات نوین ضروری می‌داند (Austin, 2021). در بخش دیگری از همین سخنرانی او استراتژی دولت بایدن را استفاده از دیپلماسی برای رسیدن به اهداف خود در منطقه معرفی می‌کند، استراتژی که نیروی نظامی امریکا به عنوان یک دیوار حائل برای حفاظت از شمع دیپلماسی در منطقه به کار گرفته می‌شود (Austin, 2021).

او ایالات متحده را یک قدرت جهانی با وظایف جهانی معرفی می‌کند که اهتمام ویژه‌ای به منافع خود در خاورمیانه دارد و از استفاده ابراز نظامی برای حفاظت از آن منافع و متحدینش در منطقه باکی ندارد. در بخش پایانی این سخنرانی او بار دیگر با تأکید بر اهمیت ویژه خاورمیانه برای امریکا، تعهد این کشور را به حفظ امنیت این منطقه مستحکم و قطعی دانست (Austin, 2021). آستین ایران و نیروهای نیابتی اش را تهدید مشترک تمام کشورهای منطقه از شورای همکاری خلیج فارس تا اسرائیل معرفی می‌کند، تهدیدی که ایالات متحده به دنبال ایجاد همکاری امنیتی منطقه‌ای پیرامون آن است (Austin, 2021). ایجاد ترتیبات نظامی و امنیتی در منطقه با هدف

1. The Aspen Institute

2. IISS

مهار قدرت ایران تاثیر غیرمستقیم رقابت چین و امریکا بر امنیت ملی ایران است. در گذشته حضور ایالات متحده در خاورمیانه به واسطه نادیده گرفتن چین مسئله‌ای به وجود نمی‌آورد.

با این حال با آغاز دولت ترامپ اولویت مواجهه با چین بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و همین مسئله نیاز واشنگتن را به معماری همکاری‌های مشترک در خاورمیانه بیش از پیش می‌کرد، زیرا امریکا از توان تمرکز بر هر دو مسئله به طور همزمان ناتوان بود و در این شرایط جلب همکاری متحدین در منطقه امری ضروری به نظر رسید. اتفاقی که البته محدود به دولت بایدن نیست و در دولت ترامپ نیز ژنرال مکنزی به اهمیت آن اشاره کرده بود. دخیل کردن دیگر قدرت‌های نزدیک به ایالات متحده در منطقه نیز روش دیگری بود که ایالات متحده برای پرکردن خلأ غیبت خود از آن استفاده کرد. ژنرال مکنزی در خصوص این مورد با تأکید بر محدودیت منابع امریکا، استفاده از همکاری‌های بین‌المللی را یکی از مسیره‌های پاسخ به نیازهای ایالات متحده معرفی و آن را در کنار همکاری با شرکای خاورمیانه‌ای واشنگتن برجسته می‌کند (McKenzie, 2020).

به‌طورکلی نقش قدرت‌های میانی متحد امریکا در خاورمیانه هیچگاه بی‌طرفانه نبوده است. این کشورها پیگیری اهداف اصلی خود را از مسیر استراتژی‌ها و طرح‌های قدرت‌های اصلی یعنی چین و امریکا پیش می‌برند. آنها به‌عنوان کاتالیزورهای سیاست‌های قدرت‌های بزرگ در مناطق دیگر اهداف خود را نیز دنبال می‌کنند و نمی‌توان به نقش آنها جایگاهی مستقل داد (Jeong, 2022: 117). به عنوان مثال کره جنوبی در همراهی ایالات متحده در جنگ علیه تروریسم اقدام کرد، در زمینه‌های اقتصادی نیز نمی‌توان فراموش کرد که کره جنوبی وابستگی بسیار زیادی به نفت خاورمیانه دارد و همین وابستگی موجب گردید تا آنها نسبت به تحولات این منطقه حساس باشند (Jeong, 2022: 181). این وابستگی در کنار همراهی با استراتژی‌های امریکا در زمان اعمال فشار حداکثری توسط دولت ترامپ بر علیه ایران بود و کره جنوبی اقدام به بلوکه کردن منابع ارزی ایران کرد (Jeong, 2022: 183).

ژاپن به طور سنتی از گذشته نسبت به خیزش چین نگران بود و به همین جهت افزایش حضور چین در خاورمیانه که از قضا این کشور نیز از لحاظ تأمین انرژی به آن وابستگی جدی دارد مسئله نگران‌کننده‌ای بود (Hook et al., 2011: 181). به همین جهت افزایش وابستگی سیاسی و اقتصادی بین این کشور و کشورهای منطقه از سوی ژاپن دنبال شد تا از این طریق بتوانند به اهداف خود که برقراری امنیت انرژی بود دست یابند، زیرا بیشتر از ۸۰ درصد نیاز این کشور به نفت از این منطقه تأمین می‌شد (Hook et al., 2011: 300). تمامی این اهداف در کنار سند همکاری امریکا و ژاپن پیگیری می‌شود. سندی که در آن دو دولت به همکاری‌های نظامی در مناطق مختلف به خصوص خاورمیانه تأکید می‌کنند (Hook et al., 2011: 538). جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ اولین درخواست رسمی مداخله نظامی مستقیم ژاپن در خاورمیانه توسط امریکا بود که از سوی ژاپن رد شد اما دولت ژاپن به حمایت مالی ویژه از واشنگتن به خاطر این جنگ پرداخت و در یک مورد ۱۳ میلیارد دلار به امریکا کمک مالی داشتند (Miyagi, 2011: 19-20).

هند همواره از اقدامات نظامی در خاورمیانه انتقاد کرده، اما این موجب عدم همراهی با ایالات متحده در منطقه نشده است. هند به واشنگتن این امکان را داد تا به تجدید نیروی قوای نظامی خود برای جنگ در عراق از شهرهای هند استفاده کند، اقدامی که موجب مخالفت شدید اعضای مجلس این کشور شد (Joshi, 2015).

254). با این حال هند در مواجهه با بحران سوریه موضع مخالف خود را نسبت به اقدامات امریکا پنهان نکرد و از گفت و گو با دولت بشار اسد استقبال می‌کرد (Joshi, 2015: 255). در طول یک دهه اخیر اهداف هند در خاورمیانه نیز دچار تغییر شده است. تجارت، تأمین انرژی و محافظت از شهروندان مشغول به کار در منطقه سه هدف اساسی هند به شمار می‌آیند (Sevilla, 2020: 184).

با این وجود سیاست عدم مداخله هند نسبت به منطقه به خصوص در مواجهه با موضوعات امنیتی همچنان پایدار است و هند تنها به عنوان یک نیروی حمایتگر در کنار ایالات متحده در منطقه به فعالیت می‌پردازد (Sevilla, 2020: 189). آخرین مورد علاقمندی امریکا به درگیر کردن هند در ترتیبات اقتصادی منطقه ابتکار I2U2 بود که از ترکیب ایالات متحده، امارات، اسرائیل و هند تشکیل شد. این ابتکار قصد دارد در حوزه‌های مختلف امنیت غذایی، انرژی‌های تجدید پذیر، انتقال تکنولوژی و افزایش حجم تجاری میان چهار کشور قدم بردارد (Suri, 2022). در جدول زیر ابعاد تأثیرگذار اقتصادی رقابت امریکا و چین بر امنیت ملی ایران را نشان می‌دهیم.

جدول ۲. ابعاد تأثیرگذار اقتصادی رقابت امریکا و چین بر امنیت ملی ایران

غیر مستقیم	مستقیم	
	• قرارداد همکاری ۲۵ ساله میان ایران و چین	مثبت
• همکاری‌های اقتصادی چین با کشورهای مخالف ایران در منطقه • افزایش حضور و همکاری قدرت‌های میانی متحد امریکا در منطقه	• حفظ و تحکیم تحریم‌های اقتصادی	منفی

۳-۳. تأثیر رقابت چین و امریکا بر بعد سیاسی امنیت ملی ایران

مهم‌ترین نوع همکاری میان چین و امریکا در مواجهه با ایران تصویب قطعنامه‌هایی در شورای امنیت سازمان ملل در خصوص پرونده هسته‌ای ایران بود. هرچند تصویب این قطعنامه می‌تواند به نوعی نشان‌دهنده همکاری دو کشور در خاورمیانه پیرامون موضوع عدم اشاعه سلاح هسته‌ای باشد، اما وزیر اسبق امور خارجه امریکا، هیلاری کلینتون در کتاب خاطرات خود با اشاره به این موضوع همکاری میان امریکا و چین در این موضوع را این‌گونه مطرح می‌کند: «من به سفیر چین یادآوری کردم که اصلی‌ترین بهره چین از خاورمیانه ثبات بود که بتواند انتقال ایمن نفت از این منطقه را تأمین کند. اگر فشار ما برای قطعنامه تحریمی ایران شکست بخورد، احتمال وقوع یک مقابله نظامی در منطقه روزبه‌روز افزایش می‌یابد. این اتفاق می‌تواند به جهش قیمت نفت و ضربه شدید به اقتصاد جهانی منجر شود. اگر چین با ما در قطعنامه تحریمی همراه شود، ما نیز به دنبال تأمین اهداف چین و ثبات قیمت بازار نفت خواهیم بود.» (Clinton, 2014: 363). قطعنامه تصویب شده در سازمان ملل با محدود شدن در بندهای خاصی ذیل فصل هفت قابلیت‌های استفاده از قدرت اجبار را از دست داد و تنها در عرصه تحریم‌های اقتصادی باقی ماند.

تأمل در موضوع تحریم‌های ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد از آن جهت برای بحث ما ضرورت دارد که تصویری آشکار از وضعیتی است که ایران به‌عنوان یک بازیگر مستقل خود به محل همکاری دو قدرت بزرگ‌تر تبدیل می‌شود. در شرایطی که دو قدرت به تعارض منافع جدی می‌رسند، یافتن مواردی از همکاری برای هر دو طرف برای مدیریت تنش امری حیاتی است. ایران این قابلیت را داشت تا تبدیل به همان موضوع همکاری شود. باین حال این وضعیت در شرایطی به وجود آمد که قدرت‌های بزرگ در مسائل مهم‌تری وارد سطح رویارویی یا رقابت نشده بودند. برای مثال با خروج واشنگتن از توافق برجام در سال ۲۰۱۹، دولت ترامپ تلاش بسیار زیادی برای تصویب قطعنامه جدیدی علیه ایران کرد.

این تلاش‌ها با نزدیک شدن به پایان محدودیت خرید و فروش سلاح ایران چندبرابر شد اما دستاورد ایالات متحده این بار با گذشته متفاوت بود. آمریکا که خود با چین وارد منازعه جدی در سطح بین‌المللی بر سر موضوعات اقتصادی شده بود این بار در جذب نظر چین در شورای امنیت ناکام بود. شرایط ایران در دو صحنه تغییری نکرده بود و ماهیت تجدیدنظرطلب ایران همچنان ثابت بود. باین حال با ورود به وضعیت جدید، این بار توجیه‌پذیری قطعنامه‌ای بر علیه ایران برای چین ناممکن بود زیرا که چین در سطح کلان روابط خود با واشنگتن هیچ موضوعی برای همکاری مشاهده نمی‌کرد و همان‌طور که پیش‌تر توضیح دادیم در یک چنین وضعیتی زمینه‌های همکاری به‌صورت خودکار از بین رفته و بسترهای رویارویی و زمینه‌های رقابت پررنگ‌تر می‌شوند. به این ترتیب افزایش رقابت میان دو بازیگر در سطح بین‌المللی و به طبع در خاورمیانه به عدم همراهی چین با ایالات متحده باهدف ایجاد یک حصار بین‌المللی برای ایران شد.

مسئله دیگری که به طور غیرمستقیم با امنیت ملی ایران ارتباط پیدا می‌کند و آن هم به رقابت میان آمریکا و چین باز می‌گردد، مسئله سواری مجانی چین از امنیت خاورمیانه است. فهمی که در دولت اوباما شکل یافت (Fulton, 2019: 16) و در دولت ترامپ به کمال رسید بهره برداری چین از امنیت مجانی است که ایالات متحده در خاورمیانه برای فعالیت‌ها و پروژه‌های اقتصادی چین فراهم کرده است بود (Alterman & Garver, 2008: 95). به همین جهت واشنگتن به فکر بازاندیشی سیاست‌های حضور نظامی خود در خاورمیانه افتاد. کاهش حضور نیروهای نظامی ایالات متحده در عراق و افغانستان و خروج کامل از افغانستان در کنار کاهش هزینه‌های ارتش ایالات متحده به افزایش مخاطرات امنیتی چین و ایران می‌افزود. این اقدام در عین اینکه به امنیت شرکای آمریکا در خاورمیانه لطمه‌ای وارد نمی‌کرد، بیشترین هزینه را بر دوش ایران و چین قرار می‌داد.

حمایت ویژه چین از سوریه در سازمان ملل با وتوی قطعنامه‌های مختلف که در بخش قبلی مورد اشاره قرار گرفت به نوعی تاثیر غیرمستقیم رقابت آمریکا و چین در خاورمیانه بر امنیت ملی ایران است. حضور نظامی و درک اولویت امنیتی حفظ دولت بشار اسد در این کشور برای ایران در شرایطی که چین خود نیز دارای اولویت‌هایی مشابهی در این کشور است توانست به کمک ایران آمده تا به هدف خود در این مسئله دست یابد. توجه به این مسئله بسیار مهم است که این اثرگذاری هرچند به عنوان یک مسئله مثبت شناخته می‌شود، اما آنچه بر بعد منفی این موضوع اثرگذار است همان ادراک همسویی ایران با اهداف چین در خاورمیانه توسط آمریکا است که پیشتر در خصوص آن توضیح دادیم.

جدول ۳. ابعاد تأثیرگذار سیاسی رقابت امریکا و چین بر امنیت ملی ایران

غیر مستقیم	مستقیم	
<ul style="list-style-type: none"> حمایت ویژه چین از سوریه در سازمان ملل متحد 	<ul style="list-style-type: none"> عدم همراهی چین با سیاست‌های امریکا در به حاشیه راندن ایران حمایت سیاسی قوی‌تر چین از ایران در عرصه بین‌المللی 	مثبت
<ul style="list-style-type: none"> پایان دادن به اختلافات میان اسرائیل و کشورهای عربی 	<ul style="list-style-type: none"> افزایش فشار به ایران توسط امریکا به واسطه روابط نزدیک دو کشور فشار بیشتر در ابعاد حقوق بشری علیه ایران توسط امریکا 	منفی

نتیجه‌گیری

لازم است بار دیگر توضیح دهیم که تأثیر عوامل بازگفته بر امنیت ملی ایران به صورت مداوم دچار تغییر و دگرپسندی است و ردیابی آنها در بازه زمانی موردتوجه تحقیق امری بسیار دشوار است. با این حال تلاشمان بر آن بود تا با بررسی موشکافانه تأثیر آن رقابت بر امنیت ملی ایران وضعیتی را ترسیم نماییم که بیانگر تصویر نسبتاً جامعی از آنچه تأثیر رقابت چین و امریکا در خاورمیانه بر امنیت ملی ایران بود ارائه کنیم. در نمودار زیر به طور خلاصه این مسئله را نشان می‌دهیم.



با توجه به نمودار بالا که خلاصه کاملی از هزارتوی تأثیر رقابت امریکا و چین در منطقه بر امنیت ملی ایران است درمی‌یابیم که در سه بعد نظامی، سیاسی و اقتصادی تأثیرگذاری مشخصی وجود دارند. در بخش نظامی، افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران، افزایش حضور نظامی چین در منطقه و انجام رزمایش‌های مشترک میان ایران و چین اثرگذاری مثبت می‌باشند. از سوی دیگر به خطر افتادن بازدارندگی نظامی کشور، پایان حضور امریکا در افغانستان و ایجاد پویش‌های نظامی علیه ایران از موارد منفی این رقابت بر امنیت ملی ایران در بخش نظامی است. توجه به این مسئله ضرورت دارد که افزایش حضور نظامی چین به خودی خود ایران را با دو تأثیر مثبت و منفی مواجه می‌سازد که بررسی اینکه کدام یک از آنها

می‌تواند در نهایت بر دیگری غلبه کند نیازمند تحقیق دیگری است با این همه وجود همزمان هر دو اثر کاملاً واضح است.

در بعد سیاسی، حمایت ویژه چین از سوریه و ایران در مجامع بین‌المللی و عدم همراهی این کشور با سیاست‌های ایالات متحده از ابعاد مثبت رقابت هستند. این موارد در کنار کاهش اختلافات میان کشورهای عربی و اسرائیل، افزایش فشار امریکا به جهت نزدیکی ایران و چین و جدیت بیشتر در ورود به بحث‌های حقوق بشری علیه ایران ابعاد منفی رقابت و اثرگذاری آن بر امنیت ملی ایران را شامل می‌شوند. توجه به این مسئله در این بخش ضروری است که حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک چین از ایران همواره به جهت ماهیت سیاست خارجی جمهوری اسلامی دستخوش تحول و دگرپسویی می‌باشد. این مسئله از آن رو است که چین با انگیزه حفظ ثبات و امنیت به بازی خاورمیانه وارد می‌شود در حالی که رقابت میان ایران و اعراب در کنار رقابت ایران و اسرائیل در منطقه و کاهش رقابت میان اعراب و اسرائیل ایران را به عنوان بازیگری مخمل امنیت و ثبات خاورمیانه نشان می‌دهد. شناختی که با نزدیکی روزافزون اعراب و اسرائیل به چین قوت می‌یابد.

در ابعاد اقتصادی، قرارداد همکاری میان ایران و چین می‌تواند به عنوان یک تاثیر مثبت شناسایی گردد. این مسئله در کنار ابعاد بسیار بزرگ تری قرار می‌گیرد که همه آنها تاثیر منفی خواهند داشت. همکاری گسترده اقتصادی چین با رقبای دشمنان ایران در خاورمیانه، افزایش زمینه‌های حضور قدرت‌های میانی متحد امریکا در منطقه و همکاری با کشورهای عربی و اسرائیل و تقویت تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده علیه ایران ابعاد گوناگون تاثیرات منفی رقابت امریکا و چین بر امنیت ملی ایران می‌باشند. ذکر دوباره این مسئله ضروری است که تحریم‌های ایران در دوران ترامپ و بعدتر ادامه یافتن آن در دولت بایدن با این منطق همراه است که ایران به عنوان یک بازیگر اثرگذار در منطقه به عنوان همکار استراتژیک چین در منطقه فعالیت کرده و به همین جهت تحریم دائمی ایران امری است که از لحاظ منطق عقلانی برای واشنگتن بسیار قوی به نظر می‌رسد. به همین جهت نمی‌توان تاثیر آن ادراک در رقابت میان دو کشور را بدون توجه به این استراتژی تحریمی در نظر گرفت.

منابع

- دلاور، حسین، اسلامی، محسن، موسوی شفقائی، سید مسعود و جمشیدی، محمد حسین (۱۴۰۰)، تبیین الگوی چینی بازتعریف نظم بین‌المللی: ترکیب توانمندی‌های داخلی و موازنه نرم خارجی. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۰(۳۸)، ۲۵۰-۲۹۰.
- سلیمی، حسین، و رحمتی پور، لیلا (۱۳۹۴)، بررسی مقایسه‌ای استراتژی انرژی چین و ایالات متحده امریکا و تاثیر آن بر جایگاه خلیج فارس. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۳(۱۱)، ۱۲۹-۱۶۰.
- شرفخانی، مجید، حاجی مینه، رحمت، و دهشیری، محمدرضا (۱۴۰۱)، راهبرد اقتصادی چین در رقابت هژمونیک با امریکا در خاورمیانه. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۱(۴۰)، ۶۷-۱۰۶.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۶)، نگرشی تئوریک بر طراحی مدل بازدارندگی سیاست خارجی ایران. فصلنامه

- بین‌المللی ژئوپلیتیک، ۳(۷)، ۹۷-۱۲۷.
- کولایی، الهه، نیکنام، رضا (۱۳۹۳)، چالش راهبردی چین و ایالات متحده بر سر هژمونی جهانی. پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۳(۱۱)، ۱۶۱-۱۸۲.
 - مرشایمر، جان (۱۳۸۹)، تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ، ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.

References

- Ali, S. (2017), Security dilemma or geopolitics: Iranian-Saudi security policies in the Middle East. Budimpešta: Central European University.
- Alterman, J. B., & Garver, J. W. (2008), The Vital Triangle: China, the United States, and the Middle East (Vol.30) CSIS.
- Austin, L. J. (2021), IISS Manama Dialogue: US Defence Policy in the Middle-East T. I. I. f. S. Studies; https://www.youtube.com/watch?v=yY7CTf2_Xec&list=PL4qTKYSsHVA3js2YExI-ETf-BMJKuIvgh5&index=4
- Behraves, M. (2018), State revisionism and ontological (in)security in international politics: the complicated case of Iran and its nuclear behavior. Journal of International Relations and Development, 21(4): 836-857. <https://doi.org/10.1057/s41268-018-0149-x>
- Clinton, H. R. (2014), Hard choices. Simon and Schuster.
- CNN. (2021), CNN Exclusive: US intel and satellite images show Saudi Arabia is now building its own ballistic missiles with help of China. CNN. Retrieved 08/22 from <https://edition.cnn.com/2021/12/23/politics/saudi-ballistic-missiles-china/index.html>
- Cordesman, A. H. (2020), China in the Gulf: A New Partnership with Iran? Washington, DC: Center for Strategic & International Studies.
- Delavar, Hossein, Islami, Mohsen, Mousavi Shafai, Seyed Masoud and Jamshidi, Mohammad Hossein. (2020), Explaining the Chinese Pattern of Redefining International Order: Combination of Internal Capabilities and External Soft Balance. Political Strategic Studies, 10(38): 250-290. [In Persian] <https://doi.org/10.22054/qpps.2021.58440.2776>
- Efron, S., Shatz, H. J., Chan, A., Haskel, E., Morris, L. J., & Scobell, A. (2019), The Evolving Israel-China Relationship. Rand Corporation Santa Monica, CA.
- El Berni, H. M. (2018), Iran's Security Dilemma in The Middle East: A Neorealist Approach to Iran's Foreign Policy in Syria. İran Çalışmaları Dergisi, 1(2): 115-139.
- Eye, M. E. (2022), China emerges as an arms supplier of choice for many Middle East countries, say analysts. Middle East Eye. Retrieved 08/22 from <https://www.middleeasteye.net/news/china-emerges-major-exporter-weapons-middle-east-north-africa>
- Fulton, J. (2019), China's Changing Role in the Middle East. Atlantic Council. <https://books.google.com/books?id=c8mXxQEACAAJ>
- Fulton, J. (2021), China's emergence as a Middle East power. In Routledge Handbook on China-Middle East Relations (pp. 3-12), Routledge.
- Fulton, J. (2022), Tracing China in the Middle East O. R. F.)ORF(<https://www.youtube.com/watch?v=S12fiBHqffc>
- Garver, J. (2013), China-Iran Relations: Cautious Friendship with America's Nemesis. Chi-

- na Report, 49(1): 69-88. <https://doi.org/10.1177/0009445513479247>
- Ghasemi, F. (2007), Deterrence Model of Iran's Foreign Policy: A Theoretical Approach. *Geopolitics Quarterly*, 3(7): 97-127. [In Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.17354331.1386.3.7.5.0>
 - Gresh, G. F., & Keskin, T. (2019), *Us Foreign Policy in the Middle East: From American Missionaries to the Islamic State*. Routledge. <https://books.google.com/books?id=mX-uygEACAAJ>
 - Hamilton, E. J., & Rathbun, B. C. (2013), Scarce differences: toward a material and systemic foundation for offensive and defensive realism. *Security Studies*, 22(3): 436-465.
 - Hong, Z. (2014), China's Dilemma on Iran: between energy security and a responsible rising power. *Journal of Contemporary China*, 23(87): 408-424.
 - Hook, G. D., Gilson, J., Hughes, C. W., & Dobson, H. (2011), *Japan's international relations: politics, economics and security*. Routledge.
 - Horesh, N. (2016), *Toward Well-Oiled Relations?: China's Presence in the Middle East following the Arab Spring*. Palgrave Macmillan UK. <https://books.google.com/books?id=mPMCwAAQBAJ>
 - Jeong, H. W. (2022), *South Korea's Middle Power Diplomacy in the Middle East: Development, Political and Diplomatic Trajectories*. Routledge.
 - Joshi, S. (2015), india and the Middle East. *Asian Affairs*, 46(2): 251-269 .
 - Khan, Z., & Guo, C. (2017), China's Energy Driven Initiatives with Iran: Implications for the United States. *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 11(4), 15-31. <https://doi.org/10.1080/25765949.2017.12023315>
 - Kolaei, E., & Niknam, R. (2015), Strategic Challenge of China and the United States over Global Hegemony. *Political Strategic Studies*, 3(11): 161-182 .[In Persian]
 - Mazarr, Michael J & et al.(2018), *Understanding the Emerging Era of International Competition: Theoretical and Historical Perspectives*. Santa Monica, CA: RAND Corporation, https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR2726.html.
 - McKenzie, K. (2020), CENTCOM: Protecting American Allies and Interests in the Middle East <https://www.youtube.com/watch?v=hUTLdWgSNnc>
 - Mersheimer, John. (2007), *The tragedy of great power politics*. Translator: Gholamali Chegnizadeh. Tehran: Institute for Political and International Studies. [In Persian]
 - Miyagi, Y. (2011), Japan's Middle East Security Policy: Rethinking Roles and Norms. *Middle Eastern Studies/Ortadogu Etütleri*, 3(1)
 - Phillips, J. (2020), United States Should Derail Prospects for an Iran-China Alliance. *Heritage Foundation Backgrounder*(3541), 2020-2010.
 - Salimi, Hossein, and Rahmatipour, Leila. (2014), Comparison of Energy Strategy between China and the United States And its Impact on the Persian Gulf. *Political Strategic Studies*, 3(11): 129-160. [In Persian]
 - Scita, J. (2022), China-Iran Relations Through the Prism of Sanctions. *Asian Affairs*, 53(1): 87-105. <https://doi.org/10.1080/030683v4.2022.2029060>.
 - Sevilla, H. A. (2020), Middle East Geopolitics and China-India Strategic Interaction in the New Era. *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 14(2): 179-193. <https://doi.org/10.1080/25765949.2020.1760541>
 - Sharafkhani, Majid, Haji Mina, Rahmat, and Deshiri, Mohammadreza. (2021), China's economic strategy in hegemonic competition with the United States in the Middle East. *Political Strategic Studies*, 11(40): 106-67. [In Persian] <https://doi.org/10.22054/>

[qps.2022.61462.2909](https://doi.org/10.21861/qps.2022.61462.2909)

- Suri, N. (2022), I2U2 brings hi-tech food, clean energy projects. Observer Research Foundation. <https://www.orfonline.org/research/i2u2-brings-hi-tech-food-clean-energy-projects/>
- Sutter, R. G. (2020), Chinese Foreign Relations: Power and Policy of an Emerging Global Force. Rowman & Littlefield Publishers. <https://books.google.com/books?id=TEwCEAAAQBAJ>
- Wolf, A. B. (2018), After JCPOA: American grand strategy toward Iran. Comparative Strategy, 37(1): 22-34. <https://doi.org/10.1080/01495933.2017.1419719>
- Zhao, S. (2016), Chinese Foreign Policy: Pragmatism and Strategic Behavior. Taylor & Francis. <https://books.google.com/books?id=JS63DAAAQBAJ>

